موضوعیت یقین در روزه رمضان و تنافی آن با اجزاء روزه یوم الشک

حال سؤالی که الآن دارم و برای ذهن قاصر من مهم است، این است که برداشت مرحوم صدوق از این مطالبی که بیان فرموده‌اند چیست؟ اگر منظور ایشان وجه اول است، یقین یعنی یقین به حلول ماه مبارک، پس اگر شک داری قطعاً ماه مبارک حلول نکرده است؛ قطعاً [روزه] واجب نیست؛ همانی که شروع بحث ما هم از همینجا بود. از عبارت نهایة النهایه و منتقی به اینجا آمدیم؛

فرمودند وقتی شک داری اصلاً استصحاب نمی‌توانی بکنی. وقتی شک داری قطع داری که وجوب نیست. استصحاب معنا ندارد. در منتقی اینطور فرمودند. اگر منظورشان این است: خب سؤالی که ما از این محدث بزرگ داریم این است که ایشان «اجزأه» را چطور تصور کرده‌اند؟ در یک سطر است. حضرت فرمودند «لان اصوم یوما من شعبان احب الی من ان افطر یوما من شهر رمضان». مرحوم صدوق توضیح می‌دهند: «فیجوز ان یصام علی انه من شعبان»؛ یوم الشک بود. طبق این روایت باید نیت ماه شعبان بکنی. «فان کان من شهر رمضان اجزأه»، درحالی‌که شما می‌فرمایی «لایقبل الا بالیقین». ما هم فرض گرفتیم یقین یعنی یقین به موضوع. فرض شما یوم الشک است که در نتیجه قطع داریم که بر او واجب نیست. اجزاء چه معنایی می‌دهد؟!

لذا باید ببینیم ذهنیت شریف ایشان از کلمه «اجزأه» چیست. اول می‌فرمایند «اجزأه» بعد می‌گویند «لایقبل شیء من الفرائض الا بالیقین». دنباله عبارت می‌فرمایند: «وَ مَنْ صامَهُ وَ هُوَ شاكٌّ فيهِ فَعَلَيْهِ قَضاؤُهُ وان کان من شهر رمضان»؛ چون در حال شک [روزه] گرفته، «لایقبل شیء من الفرائض الا بالیقین». اگر منظور از یقین یعنی یقین در نیت، یعنی باید جازم باشیم؛ لذا وقتی در حال شک روزه می‌گیری مقبول نیست. درحالی‌که در فرض قبلی نسبت به شعبان که جازم نبود بلکه «صام علی انه من شعبان» بود. یعنی بناء گذاشت. در اینجا وقتی در حال شک روزه می‌گیرد می‌فرمایی درست نیست چون یقین نیاز است، خب در آن جا هم یقین نداشت، صام علی انه من شعبان بود.

بازبینی #1
ایجاد شده 7 ژوئن 2026 11:59:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 ژوئن 2026 12:00:35 توسط ... .